

معرفی کتاب

کتاب، طرحی ساده و جامع از اسطوره‌های ایرانی است

شناخت اساطیر ایران

اسطوره‌ها آینه‌هایی هستند که تصویرهایی را از ورای هزاره‌ها منعکس می‌کنند و آن‌جا که تاریخ و باستان‌شناسی خاموش می‌مانند، اسطوره‌ها به سخن درمی‌آیند و فرهنگ آدمیان را از دور دست‌ها به زمان مای آورند و افکار بلند و منطق گسترده مردمانی ناشناخته، اما اندیشمند را در دسترس ما می‌گذارند.

اساطیر ایران باستان، در این دنیای پر رمز و راز جایی والا دارد و شناخت آن رهنمون ما در شناخت فرهنگ غنی و پرارزش این سرزمین است. کتاب جان هینلز مجموعه جامع و ساده‌ای از این اسطوره‌ها را در اختیار ما می‌گذارد.

مؤلف با استفاده از منابع هند باستان و اسناد به منابع مستقیم و غیر مستقیم ایرانی مانند اوستا، متن‌های پهلوی، شاهنامه فردوسی، متون تاریخی دوران اسلامی و آداب و رسوم بازمانده و با توجه به مطالعات ایران‌شناسان، نخست طرحی تاریخی عرضه می‌کند و مطالب مربوط به آغاز آفرینش، پیش‌نمونه آفریدگان، نمونه‌های پیشین خدایان باستانی و خدایان تحول‌یافته ادوار بعدی، قهرمانان تاریخی رنگ اسطوره گرفته را پیش می‌کشد و بخشی را به اساطیر ویژه زرتشتی اختصاص می‌دهد و بعد به اسطوره‌های زروانی و میتراپی می‌پردازد و سپس اسطوره را در برابر تاریخ و آیین‌های متداول امروزی قرار می‌دهد.



در این راستا، نویسنده از طرح موارد علمی خشک و نکات مورد شک و بحث درباره آن‌ها خودداری و تنها نتیجه مطالعات خود را عرضه می‌کند و جای جای کتاب، تحلیل‌هایی بر اسطوره‌ها می‌افزاید که در شناخت فلسفه و منطق آن‌ها مفید است.

اگر چه در زمینه اساطیر ایران، مقالات و کتاب‌های متعدد انتشار یافته است، اما کتابی این گونه که طرحی ساده و جامع از اسطوره‌های ایرانی را در دسترس قرار دهد، تاکنون وجود نداشته است.

مترجمان این کتاب، ژاله آموزگار و احمد تفضلی کوشیده‌اند با افزودن نکات مختصری به عنوان توضیح بر برخی مطالب، این کتاب را که نشر چشمه منتشر کرده است، برای خواننده ایرانی قابل استفاده تر کنند. این کتاب به‌طور خاص به اساطیر ایران باستان، خدایان مرتبط با آیین‌های دینی، قهرمانان ایزدی، اساطیر زرتشتی، نیروهای شر، کیش زروانی، اسطوره و مناسک و نماد پردازی و اسطوره و ایمان می‌پردازد.

جان هینلز متخصص تاریخ ادیان، دین‌شناسی تطبیقی و مذاهب و هنر ایرانی است که در نیمه نخست قرن بیستم در انگلستان متولد شده است. جان هینلز به‌ویژه به تحقیق در کیش مهر (میترائیسم) علاقه‌مند است.

وی بجز این کتاب و کتاب «فرهنگ مذاهب» و مقالاتی در آیین زمینه‌ها، دو جلد مجموعه مقالات به نام «مطالعات مهرشناسی» را در کارنامه ایران‌شناسی خود دارد. جان هینلز معتقد است که ایران سرزمین تضادهای بزرگ است؛ سرزمین بیابان‌ها و جنگل‌ها، سرزمین کوه‌های پربرف و دره‌های سرسبز؛ ایران جایی است که در ختان سیب و خرما به فاصله چند کیلومتر از یکدیگر می‌رویند؛ ایران سرزمین چاه‌های نفت و چادر نشینان است.

نمایشگاه‌های بین‌المللی

در سراسر دنیا برای جمع

کردن ناشران در یک مکان

مشخص بر پامی شوند،

یعنی امکاناتی را فراهم

می‌آورند تا ناشرانی از

کشورهای مختلف با

زبان‌ها و فرهنگ‌های

گوناگون با آثار نویسندگان

دیگر ملت‌ها آشنا شوند

و عدم شرکت کشورهای مهم جهان، عنوان «بین‌المللی» را برای نمایشگاه کتاب تهران به یک شوخی بدل کرده، بلکه حتی در سطح ملی هم وضعیت تفاوت‌چندانی نمی‌کند. در نتیجه تنها می‌تواند به کتاب‌فروشی‌های محلی ضربه بزند و برنده بزرگ این نمایشگاه، شهرداری تهران و برپاکنندگان آن باشند و تفاوتی نمی‌کند که عده‌ای به صرف تفریح و وقت‌گذرانی به نمایشگاه بیایند، نه برای خریدن کتاب. اما امسال چین، علاوه بر کالاهایش که مهمان همیشگی زندگی ما، ایرانی‌ها شده، مهمان ویژه نمایشگاه هم بود؛ مهمانی که ویژه بودنش به تنهایی، عنوان «بین‌المللی» را به «نمایشگاه کتاب تهران» برنمی‌گرداند.

به جای «بین‌المللی» بگوئیم: «تهران»

قیمت‌های ناپسمان کتاب، از دیگر ضعف‌های نمایشگاه امسال بود؛ آمار فروش کتاب در دور ز نخست‌نمایشگاه کتاب، ۱۳ میلیارد تومان اعلام شده است. البته باید دید در روزهای بعدی همچنان استقبال روزهای نخست بوده است یا نه؟ و البته با چیه تعداد بازدیدکننده، این رقم به دست آمده است. زیرا ار گران‌ترین کتاب‌های موجود در نمایشگاه، کتاب‌هایی باقیمت پشت جلد ۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان و ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بودند که البته موضوعات آن‌ها با چنین رقمی هیچ سنگینی نداشت. آیا هیأت‌نظارتی برای رسیدگی به قیمت کتاب‌ها حتی با توجه به گرانی کاغذ وجود دارد یا خیر؟ اما ماجرا به همین جاکتم نمی‌شود و برخی ناشران قیمت‌های جدیدی روی کتاب‌های چاپ قدیم خود زدند که یقیناً با کاغذ ارزان، چاپ شده‌اند که این نهایت بی‌اخلاقی در یک محیط فرهنگی است. بنابراین بعد از ۳۲ سال برگزاری نمایشگاه کتاب، اکنون حتی یک گام هم به استانداردهای جهانی نزدیک نشده‌ایم؛ پس به جای «نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران» بگوئیم: «نمایشگاه کتاب تهران».

سالن کودک و نوجوان را به استخری برای کودکان تبدیل کرد و ناشران مجبور شدند کتاب‌های خیس خود را از آب بگیرند. اما شهر آفتاب که برای رفع این معضلات ساخته شد و ناگفته پیداست که بودجه آن سر به فلک گذاشته است، هر سالی که میزبان نمایشگاه کتاب بوده، با بارش‌های اردیبهشت ماه به یک استخر بزرگ یکپارچه تبدیل شده است. شهر آفتاب، بیرون از شهر تهران قرار دارد که بهترین راه رسیدن به آن، متروی تهران است، اما اکنون بازار گشت نمایشگاه کتاب به مصلای تهران، عملاً صرف آن همه بودجه، ریختن پول‌ها به جوی آب بوده است. حالا امسال باید به این حجم از بی‌برنامگی، تغییر مکان افتتاحیه در دقیقه‌نود را هم اضافه کنیم که از کتابخانه ملی به ضلع جنوبی مصلی متقل شد.

تفاوت نمایشگاه تهران با سایر نمایشگاه‌های بین‌المللی

در این میان، عده‌ای از ناشران اعلام کردند که به دلیل حمایت از کتاب‌فروشی‌های محلی، در نمایشگاه شرکت نخواهند کرد، چرا؟ پاسخ روشن است؛ در واقع نمایشگاه بین‌المللی، مکانی برای تخفیف‌سالانه کتاب‌نیست. وقتی ما هنوز به قانون حق کپی‌رایت نیپوسته‌ایم تا ناشران کشورهای دیگر بتوانند با خیال راحت و احساس امنیت از دستبرد در محتوای کتاب، برای کتاب‌هایشان قرارداد ببندند و کتاب‌هایشان را به دیگر ملت‌ها و از جمله مردم و ناشران ایرانی معرفی کنند، به کدام دلیل منطقی باید در نمایشگاه تهران شرکت کنند؟ حتی اگر جریان تحریم‌ها علیه ایران را نادیده بگیریم، باز هم عضو نشدن ایران در قانون کپی‌رایت و وضعیت بحرانی زبان انگلیسی در میان مردم ایران، ناشران کشورهای دیگر را برای شرکت در نمایشگاه کتاب تهران بی‌انگیزه می‌کند. نمایشگاه کتاب تهران، نه مکان مشخص و مطمئنی دارد، نه ساختمان تکمیل شده‌ای که حداقل بتواند هنر معماری ایران را به نمایش بگذارد و نه خدمات ویژه‌ای ارائه می‌دهد و نه وسایل حمل و نقل راحتی دارد که مخاطبان کتاب، خسته وارد نمایشگاه نشوند. از دیگر سو، نمایشگاه کتاب نه مکانی برای آشنایی ناشران و نویسندگان و مترجمان، که مکانی برای خریدن کتاب تخفیف‌دار و تنها برای شهروندان تهرانی است. زیرا هیچ‌گونه تمهیدی برای شهرستانی‌ها در نظر گرفته نشده تا بتوانند به راحتی وبا کمترین صرف‌هزین، از نمایشگاه دیدن کنند یا کتابی بخرند. بنابراین نه تنها استانداردهای پایین نمایشگاه تهران



نه تنها استانداردهای پایین نمایشگاه تهران و عدم شرکت کشورهای مهم جهان، عنوان «بین‌المللی» را برای این نمایشگاه به یک شوخی بدل کرده، بلکه حتی در سطح ملی هم وضعیت تفاوت چندانی نمی‌کند

شهر آفتاب با مصلای تهران؟

اما بیاییم سراغ نمایشگاه (بین‌المللی) کتاب تهران؛ نمایشگاهی که برگزاری آن، چنان به شوخی گرفته می‌شود که هنوز که هنوز است، مکان مشخصی ندارد و هر سال یک کار گرو، به این چالش مواجه‌اند که نمایشگاه در شهر آفتاب برگزار شود یا در مصلای تهران. مصلای تهران که سال‌هاست نیمه کاره رها شده و دیگر آن قدر عادی به نظر می‌رسد که کسی به ستون‌های سیمانی و آجری و میله‌های فلزی بدنه‌ای آن توجه نمی‌کند. تنها وسیله حمل و نقل راحت برای رسیدن به نمایشگاه کتاب در مصلی، مترو است که در این روزها به مکانی غیر قابل استفاده تبدیل می‌شود و می‌تواند هر کسی را از رفتن به نمایشگاه منصرف کند. خیابانی که نمایشگاه در آن برگزار می‌شود، یک طرفه، شلوغ و پر ترافیک است. محوطه نمایشگاه آن قدر وسیع است که بازدیدکنندگان قبل از رسیدن به غرفه کتاب‌ها، خسته می‌شوند. فضای داخلی سالن‌ها با ستون‌های متعدد و قطور، برای برپایی غرفه مناسب نیست و در واقع فضا آن قدر محدود است که امسال ۹۵ ناشر نتوانستند در نمایشگاه شرکت کنند. اما اگر کمی به سال‌های نه چندان دور در حافظه‌مان رجوع کنیم، به‌خاطر خواهیم آورد که یک باران بهاری،

می‌کند و عالی‌ترین امکانات اقامتی را در اختیار ناشران مدعو قرار می‌دهد؛ حتی به تازگی چین و کره جنوبی به رغم قوانین متفاوت داخلی، استانداردهای خود را تا حد نمایشگاه‌های بین‌المللی ارتقا داده‌اند و اکنون نمایشگاه‌های کتاب بکن و سئول از رویدادهای بزرگ و مهم جهانی محسوب می‌شوند. اما نکته مهم این است که چه تمام‌ام نمایشگاه‌های بین‌المللی که نام برده‌ام، و چه آن‌ها که نام نبرده‌ام، از یک اصل مهم پیروی می‌کنند؛ نمایشگاه‌های بین‌المللی در سراسر دنیا برای جمع کردن ناشران در یک مکان مشخص برپا می‌شوند، یعنی امکاناتی را فراهم می‌آورند تا ناشرانی از کشورهای مختلف با زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، با آثار نویسندگان دیگر ملت‌ها آشنا شوند و با همان قانون جهانی حق کپی‌رایت – که البته ما در آن عضویت نداریم – آثار منتشر شده یکدیگر را خریداری کنند. در نتیجه در این نمایشگاه‌ها هر کشوری می‌تواند فرهنگ و ادبیات و دانش خود را به دیگر مردم جهان معرفی کند. بنابراین بزرگ‌ترین قراردادهای ترجمه و نشر کتاب، در این نمایشگاه‌ها منعقد می‌شود. امتیاز دیگر این نمایشگاه‌ها این است که در سراسر اروپا، این امکان وجود دارد که شهروندان بتوانند بدون ویزا، اسفری یک روزه به کشورهای دیگر داشته باشند و از نمایشگاه بین‌المللی دیدن کنند. بنابراین شرکت در نمایشگاه‌ها لزوماً خریدن کتاب تخفیف خورده، نیست. مسئله قابل توجه دیگر این است که در تمام این رویدادهای جهانی، شهرهایی که محل برگزاری نمایشگاه هستند، بسیج می‌شوند تا هتل، اتاق و غذای ارزان در اختیار بازدیدکنندگان قرار دهند و عملاً شهر به مکانی برای یک جشنواره بزرگ تبدیل می‌شود.

کتاب عنوان «نمایشگاه بین‌المللی» را به یدک می‌کشد. اما لازم است به برخی از مهمترین نمایشگاه‌های بین‌المللی در سراسر دنیانهایی بیندازیم تا بتوانیم به تفاوت نمایشگاه تهران با آن‌ها پی ببریم؛ نخستین مثال، نمایشگاه بین‌المللی فرانکفورت آلمان است که بزرگ‌ترین و مهمترین رویداد مربوط به کتاب در سراسر دنیاست و در ماه اکتبر برگزار می‌شود؛ نمایشگاهی که مکانی مخصوص به خود در شهر فرانکفورت دارد، داخل نمایشگاه‌های مسطحی وجود دارد که کافی است شماروی آن بایستید تا بدون خستگی شما را به گوشه و کنار نمایشگاه و غرفه مورد نظرتان برسانند. همچنین چهار طرف نمایشگاه، انبوس‌های ویژه نمایشگاه برای حمل و نقل بازدیدکنندگان به داخل نمایشگاه و از آن‌جا به سراسر شهر مستقر هستند، همچنین بلیت هواپیما، قطار، انبوس برون شهری و درون شهری و بلیت مترو با تخفیف ویژه نمایشگاه ارائه می‌شود و هر سال ظاهر نمایشگاه در جهت بهبود و جذابیت، تغییراتی می‌کند و ارائه خدمات آن بهبود می‌یابد تا همچنان مقام نخست را برای خود محفوظ نگه دارند؛ نمونه دیگر، نمایشگاه کتاب کودک ایتالیا است که بزرگ‌ترین نمایشگاه کتاب کودک و نوجوانی است که ناشران کودک را گرد هم می‌آورد و فضای تفریحی و مناظر زیبایی آن، بیشترین شهرت را در بین نمایشگاه‌های بین‌المللی دارد؛ نمایشگاه کتاب آمریکا که عموماً در نیویورک برگزار می‌شود، اما بین چند شهر آمریکا را در گردش است و بزرگ‌ترین دستاوردهای تکنولوژیک در حوزه کتاب و نشر را ارائه می‌دهد؛ نمایشگاه بزرگ لندن که در رقابت تنگاتنگ با نمایشگاه فرانکفورت فعالیت



امروز نمایشگاه زودهنگام کتاب امسال با تمام تب و تاب‌هایش به کار خود پایان می‌دهد و حالا باید دید نمره سی و دومین نمایشگاه کتاب تهران بهتر از سال‌های گذشته است یا نه؟ بر این مبنا ضروری است که تحلیلی از آن چه دیدیم و گذشت، داشته باشیم، شاید بتوانیم از نقص و کمبودهای نمایشگاه امسال برای برگزاری نمایشگاه کتاب در سال‌های آتی، سود بجوئیم. آمار پایین سرانه مطالعه کتاب در ایران، از آن آمارهای تکراری و کلیشه‌ای است که حتی اگر عامه مردم رقم دقیق آن را ندانند، می‌توانند به شما بگویند که ما درست در قعر جدول جهانی سرانه مطالعه ایستاده‌ایم. افزایش ۲۲ درصدی قیمت کاغذ که معلوم نیست سیر صعودی‌اش را تا کجا ادامه خواهد داد، فراموشی فرهنگ دیرپای علم‌اندوزی و «زنگهواره تا گور دانش بجوی»، آب رفتن درآمدها و مضاف بر آن، دغدغه‌های بی‌پایان این روزهای مردم ایران، یقیناً بر سر آمار مطالعه کتاب بلایی آورده است که دیگر باید به حال این بحران که مثل سیل نتایج فاجعه‌بار آن در آینده گریبان گیرمان خواهد شد، فکری نکنیم. حالا بیایید به این همه سنگ‌جولی پای مطالعه کردن مردم، ناپسمانی در امور نشر کتاب را هم اضافه کنیم؛ از چاپ‌های افسست و غیرقانونی کتاب و کتاب قاچاق گرفته تا پلاگت‌کپی و بی‌نظمی در برگزاری نمایشگاه کتاب.

اهداف نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب در سراسر دنیا

سی و دو سال است که نمایشگاه

گزارش

نگاهی به وضعیت ارزشمندترین میراث ملی در نمایشگاه کتاب تهران

شاه‌نامه‌ها؛ مهجور نمایشگاه کتاب

حالی که شاهنامه فردوسی میراث ملی تمام اقوام ایرانی است و توانسته در سال ۲۰۱۳ جزء ۵ کتاب پرفروش دنیا باشد، در ایران که وطن این گنجینه ارزشمند ملی است، در لیست خرید بازدیدکنندگان نمایشگاه کتاب تهران قرار نداشت.

این در شرایطی است که کتاب‌های روانشناسی و فقه، کتاب‌های تاریخی و حتی برخی کتاب‌های رمان، چند صد و حتی بالای یک میلیون، قیمت پشت جلد خورده

بودند، اما به‌عنوان نمونه، قیمت شاهنامه

یک جلدی تصحیح دکتر سعید حمیدیان، ۱۰۰ هزار تومان بود و با این تفسیر و با توجه